



سازمان قلم



۵۸ نگاه



۹۷ لبخند

توانمندسازی معلم هنر





از الزامات اصلی برای پاگرفتن نهضت آموزش هنر توجه به کانون اصلی و موتور پیش‌برنده آن یعنی «معلم درس هنر» است. به همین سان، این اصل را باید بپذیریم که هرگونه برنامه‌ریزی درسی و ارائه هرگونه برنامه ابداعی و تازه بدون همراهی «معلم درس هنر» راه به مقصد نخواهد برد. این‌که به جای اصطلاح «معلم هنر» روی «معلم درس هنر» تأکید می‌شود، به دلیل آن است که معلمان دوره ابتدایی در کنار دبیران هنر دوره بعدی جایگاه ارزنده‌ای در تعلیم هنری دارند. و آن‌چه که معلمان ابتدایی به عنوان ورزدهنده خمیرمایه هنری کودکان، ساخته و پرداخته می‌کنند، با فاصله اندکی در گذر از دوره‌ای به دوره دیگر نخستین دست‌مایه همکاران هنر دوره راهنمایی است. به همین دلیل، تلاش این دو حلقه تأثیرگذار در یک پیوستار منطقی، آموزش هنری را به پیش می‌برد. اما آن‌چه که این تلاش را پرمایه و غنی می‌سازد این است که دو صفت مهم برای آموزش هنر در تلاش رخ دهد: اول آن‌که در اثر لذت‌آفرینی، شور و شوق و انبساط خاطر در محیط احساس و دنیای دانش آموز شکل بگیرد، دوم این‌که با بصیرت‌آفرینی نگاه تازه و پرده‌برداری‌های جدیدی در افق تفکر وی تحقق یابد. وصول این دو اصل مهم اگرچه به ظاهر ساده می‌نماید اما مستلزم توانمندی «معلم درس هنر» است که بتواند با همراه کردن بچه‌ها به پل ارتباطی کلیدواژه هنر رنگ و بوی عملیاتی و درس‌آموز پسند بدهد. توانمندسازی معلم درس هنر با غرق شدن و دقت در مشاهده آثار و تولیدهای هنری رخ می‌دهد. مشاهده دقیق امری مولد، راهگشا و اثرآفرین است و زیربنای مطمئن برای هرگونه استنتاج و جمع‌بندی به‌شمار می‌رود. معروف است که در آثار ادبی تولستوی ۸۵ نوع نگاه و ۹۷ نوع لبخند مورد توصیف قرار گرفته و این‌ها هر کدام تصادفی و یا از راه الهام دل دست نداده، بلکه حاصل مشاهده دقیق تولستوی بوده است.

لذا «معلم درس هنر» برای توانمندشدن نیاز به طرح و برنامه دارد که بر محور و مبنای آن، در درجه نخست بتواند با اثر هنری ارتباط برقرار کند، صفات آن را بشناسد، استدلال و دلایل را در چرایی و چگونگی آن

به کار گیرد و از همه مهم‌تر، قدرت انتقال این مفاهیم را با زبانی که مورد علاقه دانش‌آموزان باشد به آن‌ها تفهیم کند. توانمندشدن معلم هنر امری تدریجی است. به قول استاد بزرگ این راز دل بستن به کار و خواستن است. تا به تائی و تدریج آن شاهد دلربای هنر، رخساره خرد را عیان سازد. رشد آموزش هنر بر این باور است که به عنوان رسانه مکتوب آموزشی می‌تواند با سرعت عمل بیشتر خود برخی از سرفصل‌های انگیزه‌بخش و مورد علاقه معلمان را که به‌طور عینی در فرایند کارآیی بیشتری دارند و یا موضوع کلاس را می‌توانند جذاب و گیرا کنند به عنوان درچه‌هایی برای نگاه تازه پیش روی همکاران و دبیران هنر قرار دهد. اما بنا به همان فرض پیش‌گفته، از آن‌جا که معلم درس هنر «نقطه کانونی» این فرایند مهم است، لذا به اعتقاد و توجه معلم درس هنر نیازمندیم که این سرفصل‌های بینش‌آفرین و زیبایی‌ساز را تا چه اندازه با نیازهای خود منطبق می‌داند. بدین ترتیب، برای برقراری این پل ارتباطی لحظه‌ای درنگ نکنید، صفحات مجله رشد آموزش هنر را جایگاه جولان قلم‌های خود بدانید. چرا که آن‌چه که بیش‌تر چیزهای دیگر جهان را روشن کرده، سیاهی رنگ مرکب است؛ لذا با زبانی همدلانه، دلسوزانه و متعهدانه، هیچ پروایی برای طرح مسائل و مشکلات وجود ندارد. زیرا ظرافت و زیبایی درس هنر می‌تواند با یک طرح خوش‌نما یا یک تصویر و نقاشی رسا، با یک کاردستی و با یک خط زیبا و دلگشا زنگ ملال را از دل‌ها بزدايد و راه نیکی و پاکی را از متن سختی‌ها بگشاید. بنابراین در گستره آموزش هنر این باور را در خود بپرورانیم که توانمندی «معلم درس هنر» همان ویژگی ارزنده‌ای است که به آموزش هنر معنا می‌دهد، آن را امری مفید می‌سازد و احساس خوشایند تأثیرگذاری در جریان تدریس را با خود به همراه می‌آورد. به قول سهراب:

بهترین چیز رسیدن به نگاهی است
که از حادثه عشق تر است.
تا باد چنین باد.

سردبیر

